



فتاری از علامه طهرانی؛ شیعه؛ تجلی اسلام راستین / خاطره ای از دیدار علامه طباطبائی و کربن

علامه طباطبائی معتقد بودند که اسلام راستین در اروپا و آمریکا نرفته است و شیعه در دنیا معرفی نشده است و چون اسلام با چهره واقعی خود در غرب تجلی ننموده موجب گرایش آنها به دین اسلام نشده است.

علامه طباطبائی معتقد بودند که اسلام راستین در اروپا و آمریکا نرفته است و شیعه در دنیا معرفی نشده است و چون اسلام با چهره واقعی خود در غرب تجلی ننموده موجب گرایش آنها به دین اسلام نشده است.

به گزارش خبرنگار مهر، مرحوم علامه آیت الله سید محمدحسین حسینی طهرانی (ره) در کتاب نفیس «مهر تابان» (یادنامه علامه طباطبائی (ره)) مبحثی را در ذیل بخش نخست کتاب در خصوص عدم اطلاع جهان امروز از معارف ناب اسلامی و لزوم آشنایی مغرب زمین با آموزه ها و فرهنگ اصیل تشیع به عنوان فرقه حقه ناجیه مطرح می نمایند که ذیلا تقدیم نظر خوانندگان می شود:

علامه طباطبائی معتقد بودند که اسلام راستین در اروپا و آمریکا نرفته است؛ زیرا تمام مستشرقینی که از آنجا برای تحقیق در اسلام به سرزمین های اسلامی آمده اند، همگی با اهل تستن و در ممالك عامه نشین چه در آفریقا و مصر و چه در سوریا و لبنان و حجاز و پاکستان و افغانستان رفت و آمد داشته؛ و بالاخص در کتابخانه های معتبر از تواریخ اهل تستن چون «تاریخ طبری» و «تاریخ ابن کثیر» و «سیره ابن هشام» و تفاسیر آنان و کتاب های حدیث چون «صحیح» بخاری و ترمذی و نسائی و ابن ماجه و ابن داود و «موطأ» مالك و غیرها استفاده نموده، و آنان را مصادر اسلام شناسی خود قرار داده اند؛ و بطور کلی اسلام را از دریچه و دیدگاه عامه به دنیا معرفی کرده اند و بر این اساس شیعه را يك فرقه منشعب از اسلام می دانند؛ و بنابراین به مصادر تحقیقی از تفاسیر و تواریخ و کتب شیعه در حدیث و فلسفه و کلام عطف نظری ننموده اند؛ و روی این زمینه ها شیعه در دنیا معرفی نشده است.

در حالی که شیعه فقط، تنها فرقه ای است که تجلی گاه اسلام راستین است؛ و تشیع، حقیقت پیروی از ست رسول خدا که در ولایت متجلی است، می باشد. شیعه یگانه فرقه ای است که به دنبال رسول خدا حرکت کرده؛ و قولا و عملا اسلام را در خود تحقق بخشیده اند. چون مواضع نقد و تزییف و غش و تحریف، در تواریخ و کتب عامه زیاد است؛ و در آن کتب مطالبی به رسول خدا نسبت داده شده است که سزاوار مقام پیامبری نیست، و عصمت را نیز از آن حضرت نفی کرده اند، لذا اسلام با چهره واقعی خود در غرب تجلی ننموده و موجب گرایش آنها بدین اسلام نشده است. ولیکن در شیعه مطلب به خلاف است؛ سراسر کتب شیعه، رسول الله را معصوم و از خطا و گناه و لغزش ها مصون، و مطالب خلاف مقام پیامبری را به آن حضرت نسبت نمی دهد.

اگر دنیا بداند اسلام واقعی برای هدم حکومت های جائر آمده است؛ حتماً به اسلام می گروند

علاوه شیعه، ائمه طاهرین را معصوم و آنان را سزاوار خلافت می داند؛ به خلاف کتب عامه از تفاسیر و تواریخ و کتب حدیث که همه آنها مشحون از جواز ولایت غیر معصوم، بلکه امام جائر بلکه لزوم اطاعت از اوست. و بر همین اساس خلافت پاک رسول الله، تبدیل به يك امپراطوری عظیم نظیر امپراطوری ایران و روم گشت، و خلفای بنی امیه و بنی عباس با چهره خلافت رسول الهی تمام فجایع و قبائح را مرتکب می شدند؛ روی این اساس اروپائیان به اسلام هنوز گرایش پیدا نکرده اند.

اما اگر آنها بدانند و بفهمند که این سیره بر خلاف ست رسول خداست، و اسلام واقعی برای هدم اساس این گونه حکومت ها آمده است؛ به اسلام حتماً می گروند.

تشیع دین حرکت و زندگی

شیعه، دین حرکت و زندگی است. چون معتقد است که حتماً باید امام و رهبر امت زنده باشد، و تکامل انسان فقط به وصول به مقام مقدس او حاصل می شود؛ و لذا برای این منظور از هیچ حرکت و پویایی و عشق دریغ نمی کند.

[علامه طباطبائی] می فرمودند: روزی به [هانری] کربن گفتم: در دین مقدس اسلام تمام زمین ها و مکان ها بدون استثناء محل عبادت است. اگر فردی بخواهد نماز بخواند یا قرآن بخواند یا سجده کند یا دعا کند، در هر جا که هست می تواند این اعمال را انجام دهد؛ و رسول الله فرموده است: «جُعِلَتْ لِيَ الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا». ولی در دین مسیح چنین نیست؛ عبادت فقط باید

در کلیسا انجام گیرد و در موقع معین؛ عبادت در غیر کلیسا باطل است. بنابراین، اگر فردی از مسیحیان در وقتی از اوقات حالی پیدا کرد، مثلاً در نیمه شب در خوابگاه منزل خود، و خواست خدا را بخواند چه کند؟

او باید صبر کند تا روز یکشنبه، کلیسا را چون باز کنند، بیاید در آنجا و برای دعا در آنجا حضور به هم رساند؟! این معنی قطع رابطه بنده است با خدا.

کربن در پاسخ گفت: بلی، این اشکال در مذهب مسیح هست؛ و الحمد لله دین اسلام در تمام ازمنه و امکنه و حالات، رابطه مخلوق را با خالق خود محفوظ داشته است.

و [علامه] فرمودند: اگر در دین مقدس اسلام انسان حاجتمند حالی پیدا کند، طبق همان حال و حاجت، خدا را می خواند؛ چون خدا اسماء حسنائی دارد چون غفور و رحیم و رازق و منتقم و غیرها، و انسان طبق خواست و حاجت خود، هر يك از این اسماء را مناسب ببیند؛ خدا را بدان اسم و صفت یاد می کند. مثلاً اگر بخواهد خدا او را بیامرزد و از گناهش درگذرد، باید از اسم غفور و عَقَّار و غَافِرُ الدُّنْب استفاده کند.

اما در دین مسیح، خدا اسماء حسنی ندارد؛ فقط لفظ حُدا و إله و أَبْ برای اوست، بنابراین اگر شما مثلاً حالی پیدا کردید! و خواستید خدا را بخوانید و مناجات کنید، و او را با اسماء و صفاتش یاد کنید! و با اسم خاصی از او حاجت خود را بطلبید! چه خواهید کرد؟

در پاسخ گفت: من در مناجات‌های خود، «صحیفه مهدویّه» علیه السّلام را می خوانم. علامه می‌فرمودند: کربن کِرا را «صحیفه سجادیه» علیه السّلام را می‌خواند، و گریه می کرد.